



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بحثمان در پنجمین آیه ای که شیخ اعظم انصاری برای اثبات ولایت اهل بیت علیهم السلام ذکر کرده بود یعنی آیه ۵۵ از سوره مائده: ﴿إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ﴾^۱، گفتیم این آیه اولین آیه ای است که در علم کلام برای اثبات ولایت ذکر شده و کلاً بحثهای کلامی فقهی تاریخی روایی رجالی و تفسیری فراوانی در مورد این آیه صورت گرفته است.

عرض کردیم از جمله کسانی که به آیه شریفه اشکال کرده و گفته نمی شود که آیه مخصوص علی علیه السلام باشد فخر رازی می باشد که اشکالاتش را در جلسه قبل عرض کردیم و از سه اشکال او جواب دادیم.

اشکال چهارم فخر رازی: بین شیعه و امامیه معروف است که علی علیه السلام همیشه در فقر و تنگدستی به سر می برده لذا ممکن نیست که در حال رکوع تصدق داده باشد.

جواب از اشکال چهارم: این اشکال خیلی ضعیف است زیرا درست است که حضرت امیر علیه السلام گاهی همین طور بوده و چیزی نداشته و حتی در مورد ایشان و اهل بیت ایشان آیه: ﴿وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا﴾^۲ نازل شده، اما گاهی اینطور نبوده و ایشان در نتیجه تلاش و کار اموالی به دست می آوردند و بعد در راه خدا انفاق می کردند مثلاً ذکر شده که هزار بنده را از کدّ ید خودشان آزاد کردند یعنی زحمت می کشیدند و کار می کردند و اعتق ألف مملوکٍ مِن کدّ یده، بعلاوه ایشان مزارع و چشمه های بسیاری را احداث کردند و

در راه خدا وقف کردند و حتی وقف نامه های آنها موجود است بنابراین حضرت حالات مختلف داشته و اینطور نبوده که از اول عمر تا آخر عمر همیشه فقیر و تهی دست بوده باشند، بلکه حضرت بسیار زاهد بودند و در نهج البلاغه نیز فرمودند: ﴿أَلَا وَإِنَّ إِمَامَكُمْ قَدْ أَكْتَفَى مِنْ دُنْيَاهُ بِطَمَرِيهِ، وَمِنْ طُعْمِهِ بِقُرْصِيهِ، أَلَا وَإِنَّكُمْ لَا تَقْدِرُونَ عَلَى ذَلِكَ، وَلَكِنْ أَعْيُونِي بَوْرَعٍ وَاجْتِهَادٍ، وَعَقَّةٍ وَسَدَادٍ، فَوَاللَّهِ مَا كُنْتُ مِنْ دُنْيَاكُمْ تَبْرَأً، وَلَا أَدْخُرُ مِنْ غَنَائِمِهَا وَفَرًا، وَلَا أَعْدُدُ لِبِإِلِي ثَوْبِي طَمْرًا، وَلَا حَزْتُ مِنْ أَرْضِهَا شَبْرًا وَلَهِيَ فِي عَيْنِي أَوْهَى وَأَهْوَنُ مِنْ عَقْصَةِ مَقْتَرَةٍ...﴾^۳، پس این یکی از فضائل حضرت امیر علیه السلام است که بسیار زاهدانه زندگی می کردند اما اینطور نبوده که همیشه حضرت فقیر بوده باشند بلکه گاهی در نتیجه ی فعالیتهایی که داشتند اموالی به دست می آوردند و سپس آنها را در راه خداوند متعال انفاق می کردند.

اشکال پنجم فخر رازی: علی علیه السلام بیشتر از مردم بر آیات قرآن تسلط داشته و از همه آگاه تر بوده و أعلم به تفسیر قرآن بوده لذا اگر آیه بر ولایت و امامت او دلالت داشت خود علی علیه السلام باید بر این آیه استدلال می کرد درحالی که در هیچ یک از کلمات و استدلال های ایشان چنین چیزی ذکر نشده و ما نمی بینیم که علی بن ابی طالب علیه السلام در جایی بر این آیه برای ولایت و امامت خودش استدلال کرده باشد.

جواب از اشکال پنجم: این اشکال نیز مردود است زیرا حضرت در چند مورد به این آیه برای ولایت خودشان استدلال کرده اند، در جلد دوم شرح خوئی بر نهج البلاغه همین آیه ذکر شده و بعد چندین مورد ذکر شده که حضرت بر این آیه برای ولایت خودشان استدلال کرده اند.

^۱ سوره مائده، آیه ۵۵.

^۲ سوره انسان، آیه ۸.

^۳ نهج البلاغه، دشتی، نامه ۴۵، ج ۱، ص ۲۸۴.

مورد اول: در جنگ صفین حضرت در مقابل مردم شام و معاویه به همین آیه استدلال کردند و فرمودند آیا این آیه درباره من نازل نشده؟ که همه تصدیق کردند.

مورد دوم: در قضیه شوری وقتی عمر خلافت را به شوری گذاشت و بعد آن شش نفر هرکدام گفتند من برحق هستم و می خواستند رأی بگیرند حضرت امیر علیه السلام مناشده کردند و همین آیه را خواندند و فرمودند این آیه دلالت دارد بر اینکه بعد از خدا و رسول من ولی هستم.

مورد سوم: زمانی که ابوبکر خلافت را قبضه کرد وقتی حضرت امیر علیه السلام وارد مسجد شدند همین آیه را خواندند و فرمودند آیا این آیه درباره من نازل شده یا درباره شما؟! ابوبکر گفت درباره شما نازل شده، بنابراین حضرت امیر علیه السلام در موارد متعددی به این آیه برای ولایت خودشان استدلال کرده اند لذا این اشکال فخر رازی نیز وارد نیست.

بحث دیگری که فخر رازی مطرح کرده این است که در آیه ذکر شده که حضرت امیر علیه السلام در حال رکوع تصدق داده اما در آیه ذکر نشده چه چیزی را به عنوان تصدق داده، روایات و تاریخ و سیره بیشتر دلالت دارند بر اینکه حضرت خاتم داده اند، حالا برخی در مورد ارزش آن خاتم مبالغه ی زیادی کرده اند، از جمله در تفسیر برهان در ضمن این آیه روایتی از عمار ساباطی نقل شده که قیمت انگشتر حضرت به اندازه خراج شام بوده یعنی به اندازه چهل بار شتر نقره و یا چهار بار شتر طلا! سید هاشم بحرانی شخصیت برجسته و بسیار مهمی دارد به طوری که صاحب جواهر در کتاب صلاة در بحث عدالت امام بعد از تعریف عدالت به ترک گناه و عدم قبول این مطلب که عدالت به معنای ملکه می باشد می فرماید اگر قرار باشد عدالت را به معنای ملکه بگیریم ما فقط عدالت به این معنی را در دو نفر از علماء سراغ داریم یکی مقدس اردبیلی

و دیگری سید هاشم بحرانی که این مطلب نشان می دهد این دو نفر در نظر علماء و فقهاء ما به وثاقت و عدالت معروف و مشهور بوده اند، بنابراین ایشان قیمت و ارزش انگشتری که حضرت در رکوع تصدق دادند را بسیار زیاد و مبالغه آمیز ذکر کرده اند، اما بنده عرض می کنم این مطلب درست نیست زیرا هیچوقت حضرت امیر علیه السلام چنین انگشتری را به دست نمی کردند و اگر هم چنین انگشتری با چنین ارزشی به دست حضرت می افتاد قطعاً در راه پیشرفت اسلام و غنی کردن فقراء خرج می کردند منتهی در واقع اینها خواسته اند با بالا بردن قیمت انگشتر مطلب را بزرگ جلوه دهند و حضرت را از لحاظ فضیلت بالا ببرند درحالی که این اشتباه است زیرا بالا بردن قیمت انگشتر موجب بالا رفتن فضیلت علی علیه السلام نمی شود بلکه بلکه آنچه موجب بالا رفتن فضیلت حضرت می شود همان قصد خالص حضرت بوده به همین جهت در سفینه البحار نقل شده که عمر گفته من چهل انگشتر دادم اما یک آیه در مورد من نازل نشد، بنابراین باید توجه داشته باشیم که چنین مطلبی (قیمت انگشتر حضرت) درست نیست و روایت صحیحی در این رابطه نداریم.

بقیه بحث بماند برای جلسه بعد إن شاء الله تعالی ...

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی
محمد و آله الطاهیرین